

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی

(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران)

مینا شیروانی ناغانی*، افسانه ادیسی**، زهراسادات مشیر استخاره***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۱

چکیده

سرمایه اجتماعی با فراهم کردن کنش‌های اجتماعی و ایجاد ارتباط انسانی، زمینه ارتقای سطح رفاه ذهنی را فراهم می‌سازد. رفاه ذهنی مقوله اجتماعی چندبعدی است که با شاخص‌هایی چون شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه نسبی تعریف می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی شهروندان ایرانی ساکن در پایتخت انجام شد. روش این پژوهش کمی و به صورت پیمایشی است و جامعه مورد مطالعه شهروندان ۱۸ سال به بالای پایتخت ایران است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد و بنا بر ملاحظات به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در این پژوهش ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی مورد سنجش قرار گرفتند. تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از طریق همبستگی پیرسون مشخص شد که اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر رفاه ذهنی شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران مؤثر است. از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه ذهنی شهروندان دارد. در واقع بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و با رفاه ذهنی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و فرصت‌های ایجاد می‌کند که افراد در پرتو آن بر ناامنی و تشویق ذهنی خود غلبه کنند و حس خوشبختی و رضایت داشته و در نتیجه رفاه ذهنی بالا داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با تسهیل کنش‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین و دستیابی به ترجیحات افراد دارد که با کاهش تنش‌های ذهنی، شادکامی و حس خوشبختی را برای شهروندان رقم می‌زند.

کلید واژه‌ها: رفاه ذهنی؛ سرمایه اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

mina.shirvaninaghani2020@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال. (نویسنده مسئول). edrisiafsaneh@yahoo.com

*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. zahramoshir@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایجادشده در دهه‌های اخیر، نظیر گسترش فناوری، ازخودبیگانگی و فرسایش سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی انسان‌ها را با مخاطرات زیادی روبه‌رو کرده است. این تنش‌ها باعث شده است که «اگر افراد در کیفیت روابطشان با نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آنها هستند» کنشگری مناسب نداشته باشند، «زیست‌پذیری اجتماعی» آن‌ها کم شده و این قضیه منجر به ایجاد الگوهای رفتاری ناسالم، کاهش مشارکت‌های برانگیخته، زوال اعتماد و مسئولیت‌پذیری و در نهایت، کم‌رنگ شدن رفاه اجتماعی (عینی و ذهنی) آنان شود و به تعبیر مک‌الروی (۲۰۰۷) می‌تواند «سرمایه‌های انسانی» را در آنها خاموش سازد (تاج‌مزینانی و قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۲). آثار این وضعیت در کم‌رنگ شدن رفاه ذهنی افراد مشهود است. رفاه ذهنی یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی و از ابعاد رفاه اجتماعی (شاخص اصلی توسعه) محسوب می‌شود و «به‌عنوان مفهومی سیال در حال تغییر بوده و تابعی از الگوی مصرف، پویایی اجتماعی و تغییرات تکنولوژیک است» (Sabates, 2008: 44 "سبتز" } که ضعف در سرمایه اجتماعی و کم‌رنگ شدن تعلقات فردی-اجتماعی، منجر به از بین رفتن رفاه ذهنی و حس رضایت و خوشبختی می‌شود.

رفاه ذهنی به‌مثابه یک بعد مهم از رفاه به دلیل اینکه محرک و انگیزه‌بخش معرف توسعه و سلامت اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود که ارزیابی‌های فرد از زندگی او را نشان می‌دهد. این بعد از رفاه در کشور ما از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. «طبق موج چهارم پیمایش ارزش‌های جهانی ایران از نظر شادمانی در میان ۶۹ کشور نمونه در جایگاه ۶۱ قرار دارد. طبق پژوهش وینهوون^۱ سطح شادی در ایران در حد متوسط به پایین است. افزون بر این، جایگاه ایران در بین ۱۴ کشور بررسی شده در جایگاه سیزدهم قرار دارد. این جایگاه در سال ۲۰۱۷ در بین ۱۵۵ کشور، ۱۰۸ و در سال ۲۰۱۸ در بین ۱۵۶ کشور، ۱۰۶ بوده است (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۴).

1. Veenhoven

تحقیقات داخلی نیز نشان می‌دهند که وضعیت رفاه ذهنی در ابعاد مختلف آن در کشور مطلوب نیست. این وضعیت در کلان‌شهر تهران از نمود بالایی برخوردار است (عنبری، ۱۳۹۷؛ ذکایی، ۱۳۹۵؛ باقری‌بنجار و رحیمی؛ محبوبی، ۱۳۹۳؛ فیروزآبادی و حسینی؛ ۱۳۹۲؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸). لذا، در غیاب رفاه ذهنی در ابعاد گوناگون (مثال: رضایت از زندگی) «تعلقات انسانی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و [از طرف دیگر] بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۵). از این‌رو، سرمایه اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، در قالب یک سرمایه‌گذاری ناملموس به‌عنوان یک تسهیلگر قوی در مبادله منابع توسعه بر اساس روابط اجتماعی و توسعه شبکه‌های محلی (Looman, 2009: 46) با ایجاد سازمان‌های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه‌ای، تسهیل منافع فردی و گروهی، تأثیر بر ظرفیت مدنی، ارتباط متقابل در داخل جامعه، افزایش یکپارچگی و مشارکت، ارتقای نظام سیاسی و تثبیت هویت و به‌عنوان یک عامل انسجام بخش» (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰) نقش بی‌بدیلی در ارتقای رفاه اجتماعی به‌ویژه رفاه ذهنی افراد دارد.

بنابراین، امکانات ساختاری و اجتماعی در فرد احساس رفاه، شادکامی، رضایت از زندگی و خوشبختی ایجاد می‌کنند. این احساس اگرچه در ساختار روانی فرد تجربه می‌شود و ماهیتی ذهنی دارد، اما محصول مناسبات اجتماعی و تعلقات اجتماعی آنان است و احساس رضایت و رفاه محصولی است که در بستر سرمایه اجتماعی فرد معنا می‌یابد. پس، سرمایه اجتماعی می‌تواند رفاه ذهنی را تحت تأثیر خود قرار دهد و سرمایه اجتماعی پایین و نامناسب می‌تواند مانع شکل‌گیری و کاهش احساس رفاه ذهنی افراد شود.

مسئله اصلی پژوهش این است که با توجه به وجود رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی و هم‌افزایی که دارند، چگونه می‌شود دو متغیر مذکور در جامعه تقویت شود تا با هم‌افزایی که ایجاد می‌کنند جامعه را به سمت توسعه سوق دهند. آیا عدم وجود رفاه ذهنی منجر به افزایش اضطراب، تشویش، استرس و در نهایت افسردگی در

جامعه می‌شود؟ آیا عدم مشارکت، اعتماد و عضویت در شبکه‌های اجتماعی کاهش رضایت از زندگی و سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد و نتیجه آن کاهش رفاه ذهنی می‌باشد؟ از آنجا که رفاه محصولی است که در بستر سرمایه اجتماعی معنا می‌یابد؛ هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش اصلی است و سؤال اصلی این تحقیق را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که اولاً در بین شهروندان تهرانی به لحاظ رفاه ذهنی و سرمایه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارد؟ و ثانیاً ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر رفاه ذهنی شهروندان بالای ۱۸ ساله شهر تهران دارند؟

پیشینه پژوهش

هر مطالعه‌ای از مطالعات قبلی تأثیر می‌پذیرد و به نوبه خویش بر مطالعات بعدی نیز تأثیر می‌گذارد. این مطالعه نیز از این قاعده مستثنا نیست. در بین محققان داخلی بیشتر رفاه اجتماعی به معنای عام مورد مطالعه قرار گرفته است و بعد ذهنی آن کمتر مورد توجه بوده است. برخی محققان به بررسی رابطه و تأثیر سایر متغیرها بر رفاه اجتماعی و یا بالعکس پرداخته‌اند؛ «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاه ذهنی ایرانیان» (مدیری و آزاد ارمکی، ۱۳۹۲)، «رابطه مدرنیته و رفاه ذهنی کارکنان» (وقاری و همکاران، ۱۳۹۸)، «کیفیت تعاملات اجتماعی و رفاه ذهنی کودکان» (گواسومی^۱، ۲۰۱۱)، «تحولات ساختار زندگی و رفاه ذهنی نوجوانان»، «سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در ژاپن» (ماتسوشیما و ماتسونوگا^۲، ۲۰۱۵) (دنیسمن و بن-اریه^۳، ۲۰۱۶)، از جمله این مطالعات هستند.

-
1. Goswami
 2. Midori Matsushima & Yoshiho Matsunaga
 3. Dinisman & Ben-Arieh

پیشینه پژوهش داخلی

«مقایسه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین سالمندان فعال و غیرفعال ۶۰ سال به بالای تهرانی (با تأکید بر فعالیت شبکه‌ای)»، مطالعه‌ای است که توسط غفوری و محمدی (۱۳۹۸) انجام گرفته است و از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای است و چارچوب نظری رویکرد پاتنام برای سرمایه اجتماعی و دینر برای رفاه ذهنی است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان می‌دهد که در تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های رفاه ذهنی سالمندانی که به صورت شبکه‌ای فعالیت دارند؛ با بقیه سالمندان تفاوت دارد.

ذکایی و مروتی (۱۳۹۸) به «بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با رفاه عینی و تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر آن افراد ۶۰ - ۱۸ ساله ساکن دو استان کردستان و سمنان» پرداخته‌اند، روش تحقیق کمی با ابزار پرسشنامه بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در استان سمنان بین متغیرهای وضعیت قومی و دینداری رابطه معناداری با میزان انطباق رفاه عینی و ذهنی وجود دارد.

صالحی و شیانی (۱۳۹۸) به بررسی «بررسی رابطه اجتماعات با رفاه ذهنی کودکان ۱۰-۱۲ ساله منطقه شش تهران» پرداخته‌اند، روش تحقیق کمی با ابزار پرسشنامه‌ای بوده است و نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر اجتماعات بر رفاه ذهنی کودکان را ناشی از گروه دوستان، خانواده، فضای مدرسه و در نهایت محیط زندگی است.

طولابی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی «اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای دهستان میانکوه شرقی پلدختر» پرداخته‌اند، روش تحقیق کمی با ابزار پرسشنامه بوده است و نتایج نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و رفاه خانوارها در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد و از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه خانوارهای روستایی داشته است.

پیشینه پژوهش خارجی

اده^۱ (۲۰۲۰) «نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در رابطه بین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رفاه ذهنی نوجوانان: مطالعه‌ای در غنا»، به روش کمی و پرسشنامه‌ای با جامعه مورد مطالعه ۲۰۶۸ نوجوان از مدارس دبیرستان و متوسطه غنا به این نتیجه رسید که سه بعد از سرمایه اجتماعی خانوادگی به‌عنوان عوامل محافظت‌کننده رضایت از زندگی و رفاه ذهنی و شادکامی نوجوانان در برابر اثرات وضعیت نابرابر اقتصادی اجتماعی عمل می‌کنند. هونگ^۲ (۲۰۱۹) «سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی: نقش تعدیل‌کننده شبکه‌های اجتماعی»، را با روش تحقیق کمی و ابزار پرسشنامه در جامعه آماری تعداد ۳۰۷ نفر از دانشجویان ۱۷-۲۹ ساله کارشناسی ارشد در دانشکده‌های مختلف در یک دانشگاه خصوصی خارجی در مالزی مورد مطالعه قرار دادند که یافته‌ها اهمیت استفاده فایده‌ای از شبکه‌ها در واسطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی را برجسته می‌کند. از طرف دیگر، تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر رفاه ذهنی از تأثیرات غیرمستقیم قوی‌تر است. داوسون - تاونزند^۳ (۲۰۱۹) در تحقیق «الگوهای مشارکت اجتماعی و ارتباط آنها با سلامت و رفاه ذهنی بزرگسالان» به روش کمی تحلیل ثانویه و پرسشنامه با جامعه آماری ۴۰۰ زوج بالای ۶۰ سال در سوئیس به این نتیجه رسیدند که نقش انتخاب خود در مشارکت اجتماعی حاکی از آن است که طرح مداخلات با هدف مشارکت اجتماعی در افراد مسن باید متناسب با نیازها و ترجیحات ناهمگن آنان تنظیم شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در ابعاد مختلف با رفاه ذهنی بزرگسالان رابطه دارد.

آماتی و همکاران (۲۰۱۸)، «روابط اجتماعی و رضایت از زندگی: نقش شبکه‌های دوستان» با روش کمی و ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که روابط دوستی فراتر از خانواده یک فرد، منبع مهمی برای پشتیبانی ذهنی و رفاه ذهنی افراد هستند. نتایج نشان

-
1. Addae
 2. Hwang
 3. Dawson-Townsend

می‌دهد که دوستی، از نظر شدت (اندازه‌گیری شده توسط فراوانی که افراد در آن دوستان خود را می‌بینند) و کیفیت (با رضایت از روابط دوستی اندازه‌گیری می‌شود)، با رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد.

کارولا و تیم (۲۰۱۷)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی؛ نقش واسطه وابستگی اجتماعی» با روش کمی و ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که اولاً وابستگی اجتماعی در رفاه ذهنی تأثیر دارد و از تأثیر عناصر استاندارد سرمایه اجتماعی مستقل است. دوم، سرمایه اجتماعی بر وابستگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و از این طریق تأثیر غیرمستقیمی بر رفاه ذهنی دارد.

در این تحقیقات سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی به صورت عام و رفاه ذهنی به صورت خاص، به طور مستقیم مورد سنجش قرار گرفته است. در واقع، بدون اینکه متغیرهای مهمی زمینه‌ای مانند، سن، جنس، درآمد، تحصیلات و به خصوص طبقه اجتماعی کنترل شود به سنجش سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی پرداخته‌اند. این امر، نفوذ و تأثیر غیرقابل اجتناب این متغیرها را نادیده گرفته است. زیرا، رفاه ذهنی متغیری است که بی‌تأثیر از پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد نیست. بنابراین، در این مطالعات کنترل پایگاه اقتصادی-اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته است. عدم تفکیک سطوح و لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی که بروز سرمایه اجتماعی در آنها متفاوت است، در تحقیقات داخلی و خارجی نادیده گرفته شده است. افزون بر این، عدم توجه به دو بعد رفاه عینی و ذهنی و سنجش یکسان آنها بدون تفکیک سازی این دو بعد در تحقیقات داخلی مشهود است. این خلأ زمانی خود را نشان می‌دهد که در پیش‌بینی اثرات متغیر مستقل بر وابسته (رفاه اجتماعی) نمی‌توان بعد عینی و ذهنی را به خوبی از هم جدا ساخت و میزان رفاه عینی و ذهنی افراد را تفسیر کرد.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

ارائه یک چارچوب نظری واحد که ترکیبی از رویکردهای سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی باشد، دشوار است. لذا، به منظور ارائه یک چارچوب نظری متقن سعی شده است از

رویکردهای مجزا استفاده شود. از این رو در ادامه به رویکرد «پتربیک»، «وینهوون» و «دینر» در حوزه رفاه ذهنی و رویکرد «پاتنام» در خصوص سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. وینهوون: به نظر وینهوون^۱، شادمانی به این معناست که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد. در واقع، وینهوون کیفیت زندگی آشکار یک جامعه (مثلاً مدت زمان میزان شادی مردم در زندگی) را بر کیفیت زندگی پنداشته شده (نظیر شاخص توسعه انسانی) ترجیح می‌دهد. کیفیت زندگی آشکار، به رویکرد «خروجی اجتماعی»^۲ و کیفیت زندگی پنداشته شده به رویکرد «ورودی اجتماعی»^۳ اشاره دارد. به نظر وینهوون، در رویکرد ورودی اجتماعی، یکی از مسائلی که وجود دارد، مسئله نیازهاست و این که آیا کالاها و خدمات موجود بر اساس نیازها شکل گرفته‌اند یا خیر. مسئله دیگر، همچنین این است که وجود چه شرایطی زندگی بهتر را فراهم می‌آورند. به نظر وینهوون با رویکرد ورودی اجتماعی، زندگی بدتر را می‌توان شناخت ولی زندگی بهتر را نه، وینهوون شادی را بیشتر یک حالت که حاصل قضاوت از زندگی است می‌داند تا یک سندروم شخصیتی و وراثتی. با اعتقاد به این رویکرد نسبت به نشاط می‌توان ادعا کرد که آیا شادی را می‌توان در جامعه افزایش داد یا نه. یعنی آیا جامعه بهتر را می‌توان تولیدکننده مردم بانشاط‌تر دانست وینهوون نشاط را در سطح کلان به کیفیت جامعه، یعنی عواملی چون سلامتی، عدالت و آزادی وابسته می‌داند و از این رو معتقد است که سیاست اجتماعی می‌تواند ارتقادهنده این شرایط باشد. در سطح میانی، نشاط وابسته به کیفیت‌های نهادی مانند استقلال در کار یا مراقبت‌های نهادی است. اصلاح سازمانی می‌تواند برخی نهادها را بهبود بخشد. در سطح خرد، نشاط وابسته به توانایی‌های شخصی مانند کارآمدی، استقلال و مهارت‌های اجتماعی، تحصیلات و درمان می‌تواند ارتقادهنده این مهارت‌ها باشد (حسینی امین و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵).

-
1. Veenhoven
 2. Social output
 3. Social input

به نظر وینهوون، تفکرات جامعه‌شناختی بهزیستی ذهنی نه تنها مربوط به این هستند که فرد در مورد یک پدیده چه احساسی دارد بلکه اغلب به این موضوع می‌پردازند که چرا فرد چنین احساسی دارد (دلیل، بخشی از مفهوم است). لذا همان گونه که بی‌هنجاری تنها حالتی ذهنی در نظر گرفته نمی‌شود و واکنشی به فرسایش هنجاری در جامعه است، جامعه‌شناسان، بهزیستی ذهنی را به صورت برساختی شناختی می‌بینند که به وسیله تصورات و تفکرات جمعی در خصوص زندگی خوب و در نتیجه مقایسه‌ها و به خصوص مقایسه اجتماعی شکل گرفته است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

دینر: یکی دیگر از نظریاتی که در ارتباط با رفاه ذهنی ارائه شده، متعلق به «دینر» است. از نگاه وی، رفاه ذهنی شامل تمام ارزیابی‌های مثبت و منفی‌ای می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان انجام می‌دهند. رفاه ذهنی شامل ارزیابی‌های بازتابی شناختی همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه، تعهدات و هم‌چنین شامل عکس‌العمل‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی می‌باشد. بنابراین رفاه ذهنی مانند چتری است برای ارزیابی‌های متفاوتی که افراد بر اساس زندگی‌شان و نوع وقایعی که برایشان اتفاق می‌افتد، تفسیر می‌کنند. آنچه که در دیدگاه دینر حائز اهمیت است دو جنبه از رفاه ذهنی است که می‌بایست از یکدیگر متمایز گردد: یکی جنبه شناختی که معمولاً به صورت رضایت فرد از زندگی تصور می‌شود و دیگری جنبه عاطفی که معمولاً به صورت احساس شادی یا ناراحتی افراد یا تعادل میان احساسات خوشایند و ناخوشایند در نظر گرفته می‌شود (غفاری و کبیری، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

بنا به رویکرد دینر، بهزیستی ذهنی، قضاوت مثبت از زندگی و احساس خوب است؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود که فرد دارای بهزیستی ذهنی زیادی است به آن معناست که شاهد رضایت از زندگی و لذت مکرر باشد و تنها به ندرت احساسات نامطلوبی مانند ناراحتی یا عصبانیت را تجربه کند. برعکس وقتی گفته می‌شود فرد دارای بهزیستی ذهنی

کمی است که از زندگی خود راضی نباشد، لذت و مهربانی کمی را تجربه کند و به‌طور مکرر احساساتی منفی مانند عصبانیت و اضطراب داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

فیتزپتریک: در نظر فیتزپتریک رفاه ذهنی امری چندبعدی است که «در تعریف خود از رفاه اجتماعی شاخص‌ها و چشم‌اندازهایی چون شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه نسبی را برای آن تعریف می‌کند» (مروتی، ۱۳۹۸: ۱۲۶). به عقیده وی، شادکامی در دو بعد یا وجه سطحی و عمقی معنا پیدا می‌کند. سطح عمیق‌تر که حالتی از رضایت و خرسندی در آن نهفته است در اینجا مدنظر است. نیازها و تأمین آنها نیز به احساس امنیت، داشتن درآمد، شغل، مسکن برمی‌گردد. استحقاق نیز به این مسئله می‌پردازد که کسی که به اندازه استحقاقش یا زحمتش پاداش دریافت کند از رفاه و بهروزی نسبی برخوردار است و بالاخره مقایسه نسبی که بر طبق آن رفاه افراد در ارتباط با دیگران سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر، رفاه به نوعی با این حقیقت که آدمی خود را مرتباً با دیگران مقایسه می‌کند، پیوند دارد. پتریک معتقد است که تمام این شش مفهوم در ارتباط با هم معنا دار می‌باشند و هیچ کدام به تنهایی معرف مناسبی برای شاخص رفاه نمی‌باشد (صفری شالی و مهدی زاده اردکانی، ۱۳۹۶).

تونی فیتزپتریک^۱ می‌گوید رفاه، ذهنی است پس به احساسات، ادراک‌ها، شناخت‌ها و تجارب همان فردی مربوط می‌شود که وی را موضوع رفاه قرار داده‌ایم. وی به هر دو بعد رفاهی توجه می‌نماید که توجه به این دلیل می‌باشد تا بتوانیم (۱). تشخیص دهیم که چه وقت یکی از اشکال رفاهی با یکی دیگر از اشکال رفاهی تعارض پیدا می‌کند و (۲). تصمیم بگیریم که کدام شکل برای بهزیستی شخصی مورد نظر ما بهتر است. پس رفاه ذهنی به خویشتن فرد بستگی دارد و معقولانه نمی‌رسد که رفاه را تنها عینی بررسی نماییم. این بعد از رفاه بی‌شک بی‌ارتباط با زندگی روزمره یعنی جایی که افراد آن را با الگوهای مصرف

1. Tony Fitzpatrick

خود می‌گذرانند، نیست. بنابراین بررسی ارتباط بین این الگوها با رفاه ذهنی نیز اهمیت می‌یابد (غفاری و کبیری، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

فیتزپتریک با در نظر گرفتن این امر که تعریف روشن و کاملی از رفاه را نمی‌توان مدنظر داشت و نمی‌توان به این پرسش که، رفاه چیست؟ پاسخ آسانی داد و علی‌رغم قرن‌ها دست‌وپنجه نرم کردن اندیشمندان، این بحث، هنوز به صورت ناقص باقی‌مانده است این‌گونه ابراز می‌دارد که: آنچه از دست ما برمی‌آید این است که فعلاً به بررسی چشم‌اندازهای رفاهی بسنده کنیم: شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، رهایی، استحقاق و مقایسه نسبی (سام آرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). تأمین^۱ به معنای آگاهی از این امر است که اوضاع و احوال یک فرد در آینده نزدیک دستخوش نابسامانی نخواهد شد.

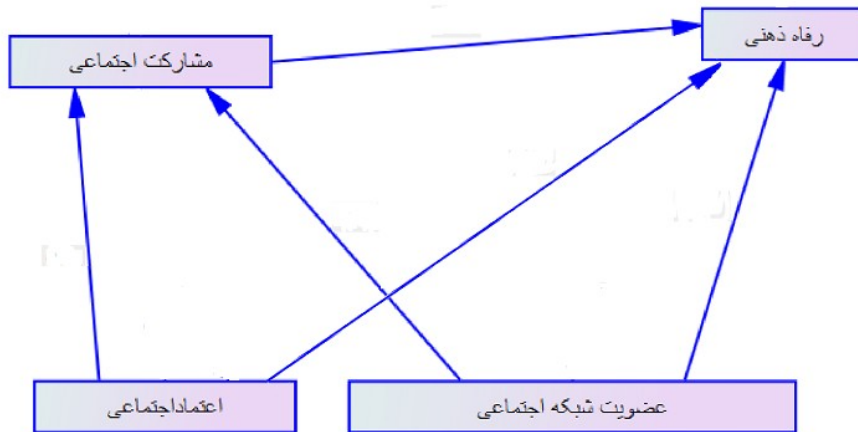
عبارت ترجیحات^۲ را برای اشاره به انتخاب‌هایی به کار می‌برند که افراد در موقعیت‌های مختلف انجام می‌دهند، به‌ویژه در سبک و سنگین کردن (دادوستد) انتخاب‌های مختلف و مواردی که برای آنها اهمیت دارد، مانند غذا، پول، زمان، آبرو و اگر افراد نگرش نفع شخصی داشته باشند، فقط نگران دریافت‌های شخصی خواهند بود. نیاز^۳ چیزی را توصیف می‌کند که به طبیعت انسان‌ها مربوط است و ضرورت بیشتری از ترجیحات دارد و بنابراین، کمتر فردگرایانه است (ظاهراً نیازها عمومی‌ترند و وجه اشتراک بیشتری از خواسته‌ها دارند. فیتزپتریک نیاز را به سه بخش تقسیم می‌کند: الف). نیازهای اساسی؛ ب). نیازهای غیراساسی؛ ج). ترجیحات. در اینجا، نیازهای اساسی را می‌توان به رفاه مربوط دانست. استحقاق^۴ به نقطه‌ای متعادل بین مشارکت و پاداش دلالت دارد. یعنی هرچه یک فرد مثلاً در امر سرمایه‌گذاری، بیشتر سهام بخرد باید سود بیشتری هم ببرد، اگر غیر این رخ دهد بی‌عدالتی در جامعه به وجود می‌آید (Fitzpatrick, 2004: 20-23).

-
1. security
 2. preferences
 3. need
 4. title

پاتنام: به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، مبنی هنجار متقابل، دواطلب شدن، از خودگذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع انسانی و اساساً اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیرقابل حل کنش‌های اجتماعی را حل می‌کند. شبکه‌های تمدن مدنی (انجمن همسایگی، انجمن‌های تعاونی، کلوپ‌های ورزشی احزاب) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند، چرا که آنها تقویت‌کننده مؤثر هنجارهای عمل متقابل می‌باشند (Winter, 2012: 57).

پاتنام در مفهوم سرمایه اجتماعی فراتر از سطح فردی حرکت کرده است و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطوح منطقه و ملی و تأثیرات این پدیده بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی توجه می‌کند. وی در اندیشه‌های خود به تأثیرات سرمایه اجتماعی در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی، توسعه اقتصادی اشاره می‌کند. وی در اندیشه‌های خود اشاره به منافع عمومی و خصوصی سرمایه اجتماعی کرده و به اشکال عمومی و خصوصی و جهات فردی و جمعی سرمایه اجتماعی توجه می‌کند. ولی بیشتر تمرکز به علاقه‌مندی خاص به منافع خارجی و بهره‌های عمومی می‌کند. در اندیشه پاتنام سرمایه اجتماعی پدیده فرهنگی تعریف می‌شود؛ که نشان‌دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی بوده و بیانگر وجود هنجارهای اجتماعی مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی است (شریتیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

مدل نظری تحقیق



روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، کمی - پیمایش^۱ و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه مورد مطالعه شهروندان ۱۸ ساله به بالای شهر تهران می‌باشد. بر طبق سرشماری ۱۳۹۵ که آخرین سرشماری می‌باشد، جمعیت شهر تهران ۸۶۹۳۷۰۶ نفر است. ۴۳۲۴۱۵۵ نفر مرد و ۴۳۶۹۵۵۱ نفر زن هستند. بر این اساس شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۹، تعداد ۶۷۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و در سه مرحله انجام شد؛ در مرحله اول حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین شد اما به ۴۰۰ مورد افزایش یافت تا از اثر کاهش حجم نمونه بر تحلیل نهایی کاسته شود. در مرحله بعد با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای مناطق مسکونی شهر تهران به سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم و از بین هر کدام یک یا دو محله به منظور نمونه‌گیری انتخاب شد.

1. Survey

جهت انتخاب تصادفی افراد، نقشه‌های مناطق مذکور تهیه و در آنها برای هر منطقه نواحی، محلات، بلوک‌ها و کوچه‌ها مشخص شدند. در نقشه هر منطقه بلوک‌ها و کوچه‌های آن با علامت مشخص شد. هر پرسشگر در بلوک و کوچه مورد نظر خود به‌طور تصادفی خانه‌ای را در نظر گرفته و با اولین کسی که جلوی در منزل حاضر می‌شد - به شرط اینکه در دامنه سنی مدنظر ما یعنی بین ۱۸ سال به بالا داشته باشد - پرسشنامه پر می‌شد و برای انتخاب نمونه بعدی به‌طور سیستماتیک خانه‌ها را انتخاب می‌کرد. در مرحله سوم با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک برآوردی از تعداد منازل واقع در هر بلوک به عمل آمد و این مقدار بر حجم نمونه واقع در آن بلوک تقسیم شد. سپس عددی به تصادف به‌عنوان مبدأ نمونه‌گیری از یک تا مقدار بدست آمده انتخاب گردید و با شمارش منازل و در نظر گرفتن بازه تکرار به‌منظور جا انداختن آن تعداد منزل و مراجعه به منزل بعدی مشخص شد.

پرسشنامه پژوهش بعد از طراحی روی نمونه پیش‌آزمون، با اعتبار^۱ و پایایی^۲ جهت همسانی درونی و اندازه‌گیری شاخص، سنجیده شده است. اعتبار بر این امر دلالت دارد که شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها تا چه حدی به‌درستی آنچه را که قرار است بسنجد، می‌سنجد. در این پژوهش نوع اعتبار، محتوایی^۳ از نوع اعتبار صوری^۴ و سازه‌ای^۵ است که از اساتید و خبرگان این حوزه و نیز از طرفی، اعتبار سازه‌ای سنجه‌ها از طریق فن تحلیل عاملی^۶ مورد سنجش قرار گرفته است. تحلیل عاملی فن آماری است که برای برآورد عامل‌ها یا متغیرهای پنهان (مکنون) از یک طرف و کاهش تعداد زیادی متغیرهای مشاهده‌پذیر به تعداد کمتری عامل از طرف دیگر به کار می‌رود.

-
1. Validity
 2. Reliability
 3. Face Validity
 4. Content Validity
 5. Construct Validity
 6. Factor Analysis

برای محاسبه پایایی ابزار اندازه‌گیری شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود که مناسب‌ترین آن برای سنجش پایایی طیف لیکرت ضریب آلفای کرونباخ است. استفاده از آلفای کرونباخ برای تحلیل پایایی ابزار اندازه‌گیری، بر اساس روش پایداری درونی است. آلفای کرونباخ رفاه ذهنی برابر با ۰,۸۹ شده است. آلفای کرونباخ اعتماد اجتماعی برابر با ۰,۷۹ و آلفا کرونباخ مشارکت اجتماعی برابر با ۰,۸۹ و آلفای کرونباخ انسجام اجتماعی برابر با ۰,۸۲ می‌باشد.

به منظور بررسی ابعاد و مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای متغیر رفاه ذهنی، از روش تحلیل عاملی تأییدی بهره گرفته شد. «هدف خلاصه کردن مقدار زیاد اطلاعات و تقلیل آنها به حداقل تعداد عامل به منظور پیش‌بینی است. در این روش، محقق از عامل‌ها و یا ابعاد زیربنایی متغیرها شناخت قبلی دارد و با استفاده از روش تحلیل عاملی آنها را محک می‌زند. در واقع، در این روش تعداد عامل‌ها را تحلیل‌گر مشخص می‌کند.

جدول ۱- آزمون KMO and Bartlett's

۰,۷۱۳	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	
۷۹۱,۶۳۵	Approx. Chi-Square	Bartlett's Test of Sphericity
۳۰۰	Df	
,۰۰۰	Sig.	

میزان KMO، ۰,۷۱ است؛ با توجه به این که این میزان بیشتر از ۰,۵ می‌باشد، می‌توان گفت این داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی‌دار است. یافته‌ها در بررسی ابعاد و مؤلفه‌های متغیر رفاه ذهنی با روش تحلیل عاملی تأییدی حاکی از آن است که درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل و درصد تراکمی پس از دوران یافتن برای رفاه ذهنی برابر با ۷۵ است که نشان می‌دهد متغیر رفاه ذهنی به میزان ۷۵٪ توسط عوامل (ابعاد در نظر گرفته شده برای این متغیر) تبیین می‌شود.

یافته‌های تحقیق

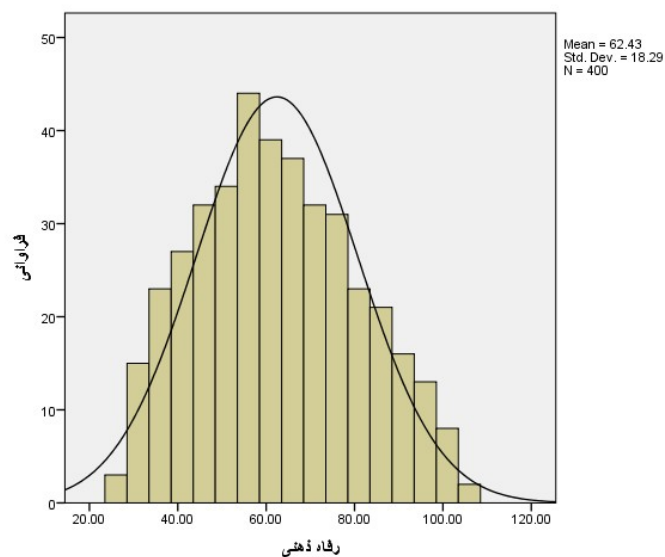
- یافته‌های توصیفی

با توجه به حجم نمونه بررسی شده و طبق نتایج به دست آمده، تقریباً نیمی از نمونه را مردان و نیمی دیگر را زنان تشکیل داده‌اند. حجم نمونه از پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران به میزان نسبتاً برابر (حدود ۲۰ درصد) انتخاب شده است. ۵۰ درصد حجم نمونه مجرد هستند و ۴۵ درصد متأهل هستند. ۳۱ درصد حجم نمونه دارای تحصیلات دیپلم و ۳۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. قومیت ۶۲ درصد پاسخگویان فارس است که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سن پاسخگویان ۳۳ سال است. میانه آن نیز ۳۲ سال است یعنی نیمی از پاسخگویان کمتر از ۳۲ سال و نیمی دیگر بیشتر از ۳۲ سال دارند. نما برابر است با ۳۰ سال که بیشترین تکرار سن است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیر وابسته (رفاه ذهنی)

آماره‌های توصیفی	رفاه ذهنی
میانگین	۶۲,۴۳۲۵
میانه	۶۱,۵۰۰۰
مد	۵۴,۰۰
کمترین میزان	۲۶,۰۰
بیشترین میزان	۱۰۶,۰۰

میانگین رفاه ذهنی در میان پاسخگویان ۶۲ است. با توجه به اینکه کمترین میزان رفاه ذهنی ۲۶ و بیشترین میزان آن ۱۰۶ است، می‌توان گفت که میانگین رفاه ذهنی، متوسط می‌باشد. میانه آن ۶۱ است یعنی نیمی از پاسخگویان نمره کمتر از ۶۱ و نیمی دیگر بیشتر از ۶۱ گرفته‌اند. نما برابر است با ۵۴ که بیشترین تکرار میزان رفاه ذهنی می‌باشد.

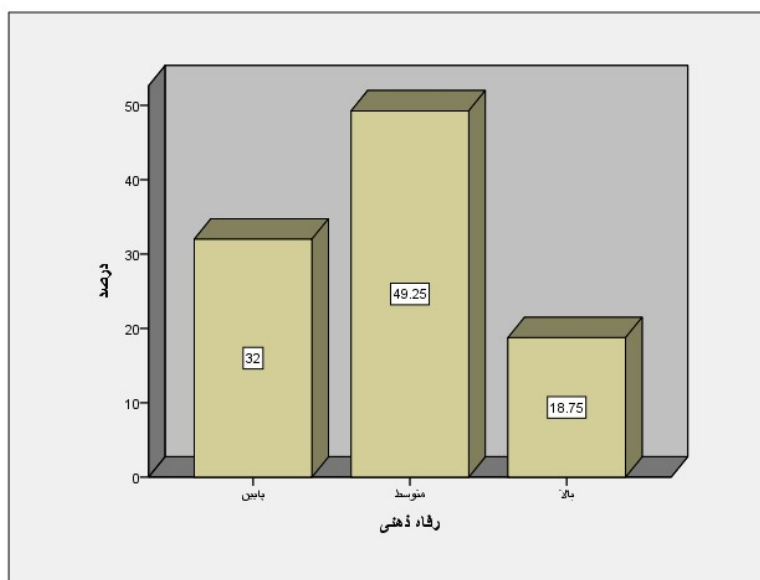


نمودار ۱- توزیع فراوانی رفاه ذهنی

جدول ۳- جدول توزیع فراوانی و درصدی رفاه ذهنی

رفاه ذهنی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
پایین	۱۲۸	۳۲,۰	۳۲,۰
متوسط	۱۹۷	۴۹,۳	۸۱,۳
بالا	۷۵	۱۸,۸	۱۰۰,۰
کل	۴۰۰	۱۰۰,۰	

طبق نتایج جدول، رفاه ذهنی میان ۴۹ درصد پاسخگویان متوسط است.



نمودار ۲- توزیع درصدی رفاه ذهنی

جدول ۴- آماره‌های توصیفی متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی)

آماره‌های توصیفی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	شبکه‌های اجتماعی
میانگین	۴۰.۸۲۷۵	۳۱.۴۶۰۰	۳۰.۶۸۵۰	۱۲.۴۷۵۰
میانه	۴۱.۰۰۰۰	۳۰.۰۰۰۰	۳۱.۰۰۰۰	۱۲.۰۰۰۰
مد	۴۲.۰۰	۲۶.۰۰	۳۵.۰۰	۵.۰۰
کمترین میزان	۱۵.۰۰	۱۴.۰۰	۱۰.۰۰	۵.۰۰
بیشترین میزان	۶۸.۰۰	۷۰.۰۰	۳۵.۰۰	۲۵.۰۰

میانگین اعتماد اجتماعی در میان پاسخگویان ۴۰ است. با توجه به اینکه کمترین میزان اعتماد اجتماعی ۱۵ و بیشترین میزان آن ۶۸ است، می‌توان گفت که میانگین اعتماد اجتماعی، متوسط می‌باشد. میانه آن ۴۱ است یعنی نیمی از پاسخگویان نمره کمتر از ۴۱ و نیمی دیگر بیشتر از ۴۱ گرفته‌اند. نما برابر است با ۴۲ که بیشترین تکرار میزان اعتماد اجتماعی می‌باشد. میانگین مشارکت اجتماعی در میان پاسخگویان ۳۱ است. با توجه به

اینکه کمترین میزان مشارکت اجتماعی ۱۴ و بیشترین میزان آن ۷۰ است، می‌توان گفت که میانگین مشارکت اجتماعی، پایین است. میانه آن ۳۰ است یعنی نیمی از پاسخگویان نمره کمتر از ۳۰ و نیمی دیگر بیشتر از ۳۰ گرفته‌اند. نما برابر است با ۲۶ که بیشترین تکرار میزان مشارکت اجتماعی می‌باشد.

میانگین انسجام اجتماعی در میان پاسخگویان ۳۰ است. با توجه به اینکه کمترین میزان انسجام اجتماعی ۱۰ و بیشترین میزان آن ۳۵ است، می‌توان گفت که میانگین انسجام اجتماعی، بالا است. میانه آن ۳۱ است یعنی نیمی از پاسخگویان نمره کمتر از ۳۱ و نیمی دیگر بیشتر از ۳۱ گرفته‌اند. نما برابر است با ۳۵ که بیشترین تکرار میزان انسجام اجتماعی می‌باشد. میانگین شبکه‌های اجتماعی در میان پاسخگویان ۱۲ است. با توجه به اینکه کمترین میزان شبکه‌های اجتماعی ۵ و بیشترین میزان آن ۲۵ است، می‌توان گفت که میانگین شبکه‌های اجتماعی، متوسط است. میانه آن ۱۲ است یعنی نیمی از پاسخگویان نمره کمتر از ۱۲ و نیمی دیگر بیشتر از ۱۲ گرفته‌اند. نما برابر است با ۵ که بیشترین تکرار میزان شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

جدول ۵- آماره‌های توصیفی مربوط به بررسی توزیع نرمال متغیر رفاه ذهنی

خطای استاندارد	آماره	رفاه ذهنی	
۰٫۹۱۴۵۲	۶۲٫۴۳۲۵	میانگین	
	۶۰٫۶۳۴۶	کران بالا	فاصله اطمینان
	۶۴٫۲۳۰۴	کران پایین	
	۶۲٫۱۵۰۰	میانگین ۵ درصدی (گوش بریده)	
	۶۱٫۵۰۰۰	میانه	

	۳۳۴,۵۳۷	واریانس
	۱۸,۲۹۰۳۵	انحراف استاندارد
	۲۶,۰۰۰	ماکزیمم
	۱۰۶,۰۰۰	مینیمم
	۸۰,۰۰۰	دامنه تغییرات
	۲۶,۷۵	دامنه تغییرات بین چارکی
,۱۲۲	,۲۱۳	چولگی
,۲۴۳	-,۶۸۱	کشیدگی

میانگین حسابی به دست آمده برابر با ۶۲,۴۳ با میانگین حسابی بریده شده به میزان ۶۲,۱۵ تقریباً برابر است و این نتیجه به این معناست که داده‌های پرت در این متغیر وجود ندارد و این نتیجه یکی از نشانه‌های نرمال بودن متغیر وابسته، رفاه ذهنی است. نزدیکی میزان میانه به میانگین نیز نتیجه بالا را تأیید می‌کند. دامنه تغییرات برابر با $R=۸۰$ شده است. دامنه بین چارکی، شاخص بهتری برای پراکندگی و نرمال بودن است، زیرا که دامنه تغییرات بین چارکی به سادگی تحت تأثیر مقادیر پرت قرار نمی‌گیرد دامنه بین چارکی برابر با ۲۶ بدین معنی است که ۵۰ درصد پاسخگویان در رفاه ذهنی به میزان ۲۶ واحد از یکدیگر فاصله دارند و نسبت میزان کجی به خطای معیار آن کمتر از ۲ است، بنابراین نتایج فوق نیز حاکی از آن است که متغیر رفاه ذهنی دارای توزیع متقارن و نرمال است.

جدول ۶- آزمون کولموگروف - اسمیرنف

Shapiro-Wilk			Kolmogorov-Smirnov ^a			رفاه ذهنی
Sig.	Df	Statistic	Sig.	Df	Statistic	
,۰۰۰	۳۹۲	,۹۸۳	,۰۵۱	۳۹۲	,۰۴۵	

نتایج آزمون ویلک و اسیمرنف نیز در فاصله اطمینان ۹۵ درصد به ترتیب دارای سطح معناداری $Sig=0,000$ و $Sig=0,051$ را نشان می‌دهند که به علت بالا بودن سطح معناداری از ۰,۰۵، توزیع متقارن و نرمال متغیر رفاه ذهنی را تأیید می‌کند.

- یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته،

اعتماد نهادی) با رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷- آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن با رفاه ذهنی

اعتماد نهادی	اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد فردی	اعتماد اجتماعی	رفاه ذهنی	
$,223^{**}$	$,117^{**}$	$,103^{**}$	$,181^{**}$	۱	همبستگی پیرسون
$,000$	$,019$	$,040$	$,000$		سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری
$,700^{**}$	$-,115^{**}$	$,715^{**}$	۱	$,181^{**}$	همبستگی پیرسون
$,000$	$,022$	$,000$		$,000$	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری
$,165^{**}$	$-,015$	۱	$,715^{**}$	$,103^{**}$	همبستگی پیرسون
$,001$	$,764$		$,000$	$,040$	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری
$,034$	۱	$-,015$	$-,115^{**}$	$,117^{**}$	همبستگی پیرسون
$,494$		$,764$	$,022$	$,019$	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری
۱	$,034$	$,165^{**}$	$,700^{**}$	$,223^{**}$	همبستگی پیرسون
	$,494$	$,001$	$,000$	$,000$	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,18$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,040$ با اعتماد فردی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,01$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد فردی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,01$ با اعتماد تعمیم‌یافته همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,11$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد تعمیم‌یافته نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با اعتماد نهادی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,24$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر، هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد نهادی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی و با رفاه ذهنی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد با ایجاد بنیان‌های هستی‌شناسی قوی، به زدودن عدم قطعیت‌ها می‌انجامد، این وضعیت در کلان‌شهر تهران از نمود و عینیت بالایی برخوردار است. در شهر تهران که روابط عمدتاً فردی است و افراد سعی دارند با تکیه بر ظرفیت‌های خود به زندگی بپردازند، اعتماد در ابعاد سه‌گانه خود به‌مثابه یک اهرم،

فرصت‌های ایجاد می‌کند که افراد در پرتو آن بر ناامنی و تشویق ذهنی خود غلبه کنند و حس خوشبختی داشته باشند.

- به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی و ابعاد آن (رسمی و غیررسمی) با رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸- آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و ابعاد آن با رفاه ذهنی

مشارکت	مشارکت	مشارکت	رفاه ذهنی	
غیررسمی	رسمی	اجتماعی		
			۱	همبستگی پیرسون
,۳۹۲ ^{**}	,۲۸۱ ^{**}	,۳۹۸ ^{**}		سطح معناداری
,۰۰۰	,۰۰۰	,۰۰۰		جامعه آماری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	همبستگی پیرسون
,۸۷۵ ^{**}	,۸۲۹ ^{**}	۱	,۳۹۸ ^{**}	سطح معناداری
,۰۰۰	,۰۰۰		,۰۰۰	جامعه آماری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	همبستگی پیرسون
,۴۵۵ ^{**}	۱	,۸۲۹ ^{**}	,۲۸۱ ^{**}	سطح معناداری
,۰۰۰		,۰۰۰	,۰۰۰	جامعه آماری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	همبستگی پیرسون
۱	,۴۵۵ ^{**}	,۸۷۵ ^{**}	,۳۹۲ ^{**}	سطح معناداری
	,۰۰۰	,۰۰۰	,۰۰۰	جامعه آماری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری Sig=۰,۰۰۰ با مشارکت اجتماعی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=۰,۳۹$ شدت این رابطه نسبتاً قوی ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با مشارکت رسمی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدرمطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,28$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت رسمی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با مشارکت غیررسمی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدرمطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,39$ شدت این رابطه نسبتاً قوی ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت غیررسمی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

امروزه مشارکت اجتماعی در بعد غیررسمی و غیرنهادی آن از لحاظ معرفت‌شناختی جان تازه‌ای به مبحث توسعه و رفاه اجتماعی داده است. دلالت‌های آن برای رفاه اجتماعی در بعد ذهنی آن از دو جهت است: مشارکت حرکتی از انفعال به سوی فعالیت است، این حرکت نوعی برساخت اعتماد است که در سپهر شبکه‌های اجتماعی دوستانه و شبکه‌های اجتماعی نهادی و رسمی به منبع اجتماعی تبدیل می‌شود و حمایت اجتماعی از طریق آن معنا پیدا می‌کند. زمانی که فرد به صورت ارزشی (در بعد غیررسمی) و یا عقلانی (در بعد رسمی) به مشارکت دست می‌زند، این ذهنیت در او شکل می‌گیرد که می‌تواند در لوای دیگران به تأمین خود دست یازد، در زمان‌های خاص و حساس دیگران به او کمک می‌کنند، ترجیحات و نیازهای او در تعامل با دیگران دیده و پاسخ داده می‌شود.

- به نظر می‌رسد بین انسجام اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹- آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی و رفاه ذهنی

انسجام اجتماعی	رفاه ذهنی		
۰,۰۸۷	۱	همبستگی پیرسون	رفاه ذهنی
۰,۰۸۱		سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری	

۱	،۰۸۷	همبستگی پیرسون	انسجام اجتماعی
	،۰۸۱	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری	

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,08$ با انسجام اجتماعی همبستگی معناداری ندارد.

انسجام اجتماعی نشان‌دهنده یکپارچگی و تراکم و چگالی بالای روابط فرد با دیگران و جامعه است؛ دلالت‌های این بعد از سرمایه اجتماعی برای رفاه ذهنی افراد از این جهت است که: انسجام اجتماعی در لوای ایدئولوژی و همبستگی عقیدتی کلان سنجیده شد، در انسجام اجتماعی این فرد است که باید خود را با کلیت منطبق سازد، لذا رابطه دوطرفه نیست و افراد این تفکر را دارند که نظم و ساخت اجتماعی موجود بر آنها تحمیل می‌شود. بنابراین، در یک جامعه باز که در آن فردیت بالا است، افراد الزامی برای همنوایی با الزامات کلان نمی‌بینند. بنابراین، رفاه ذهنی که حاصل رضایت از وضع موجود، تأمین نیازها، نیل به ترجیحات و خواسته‌ها و مقایسه بین ایده‌آل‌های فردی است، با انسجام اجتماعی که جمع‌گرایی در آن شدت بالایی دارد، می‌تواند تضادهای ایجاد کند و لذا رد فرضیه بالا با توجه به تحلیل فوق قابل تأمل است.

- به نظر می‌رسد بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه معناداری

وجود دارد.

جدول ۱۰- آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و رفاه ذهنی

عضویت در شبکه‌های اجتماعی	رفاه ذهنی		
،۳۷۳**	۱	همبستگی پیرسون	رفاه ذهنی
،۰۰۰		سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری	
۱	،۳۷۳**	همبستگی پیرسون	عضویت در شبکه‌های اجتماعی
	،۰۰۰	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	جامعه آماری	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

رفاه ذهنی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig}=0,000$ با عضویت در شبکه‌های اجتماعی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدرمطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,37$ شدت این رابطه نسبتاً قوی ارزیابی می‌شود و رابطه بین دو متغیر مستقیم است. به عبارت دیگر هرچه رفاه ذهنی افراد بیشتر باشد، میزان عضویت در شبکه‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

در رفاه اجتماعی بحث شهروندی و ارائه خدمات اجتماعی، با عضویت قانونی و مشروع معنا پیدا می‌کند. اهمیت عضویت در شبکه‌های رسمی و غیررسمی در بعد ذهنی رفاه در اینجا معنای و ارزش خود را نشان می‌دهد. در عضویت در شبکه‌های اجتماعی است که اولاً فرد پذیرش اجتماعی پیدا می‌کند، دوم به انطباق و سازگاری اجتماعی دست می‌زند، سوم مشروعیت و هویت پیدا می‌کند، بنابراین، عضویت در شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین مجرای است که در اثر آن مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی کانالیزه و معنادار می‌شوند.

عضویت در شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌سازد که فرد نیازها و احتیاجات خود را به میان بکشد و از این طریق به رفع آنها پردازد. از طریق عضویت است که فرد می‌تواند به مقایسه خود و دیگران پردازد، ترجیحات خود را دنبال کند. با عضویت فرد هویت پیدا می‌کند و این هویت به کیستی و چیستی او پاسخ می‌دهد و از این طریق بخش مهمی از ناملايمات، دلزدگی‌ها، بی‌تفاوتی‌ها و فشارهای روحی و روانی او را پاسخ می‌دهد و از این منظر رضایت و کیفیت و در نتیجه رفاه ذهنی افراد را بالا می‌برد.

رگرسیون چند متغیره تحقیق

به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر رفاه ذهنی مؤثر هستند. با توجه به معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق که پیش شرط آزمون رگرسیون می‌باشد، حال در اینجا جهت تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی،

عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر رفاه ذهنی از رگرسیون خطی با روش Stepwise استفاده شده است. به کمک این روش سه مدل برای تبیین متغیر وابسته پیشنهاد شده است؛
- عضویت در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

جدول ۱۱- مدل رگرسیون پیش‌بینی شده

مدل	مجذور ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعدیل یافته
۳	،۳۱۰	،۳۰۵

با توجه به نتایج جدول بالا، مقدار ضریب تبیین (R²) به دست آمده برای تبیین رفاه ذهنی در مدل بالا $R^2 = ۰/۳۰$ است که این میزان در علوم انسانی نشان می‌دهد که متغیر وابسته به میزان نسبتاً مناسبی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود؛ در واقع رفاه ذهنی به میزان ۳۰٪ توسط تعلق اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی تبیین می‌شود.

جدول ۱۲- نتایج آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	میزان آزمون F	سطح معناداری Sig
۳	۴۱۳۶۷،۹۷۶	۳	۱۳۷۸۹،۳۲۵	۵۹،۲۸۲	،۰۰۰ ^د
	۹۲۱۱۲،۲۰۱	۳۹۶	۲۳۲،۶۰۷		
	۱۳۳۴۸۰،۱۷۸	۳۹۹			

جدول ۱۳- ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	میزان آزمون T	Sig. سطح معناداری	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده	
					B ضریب تأثیر	Std. Error خطای استاندارد از میانگین
۳	میزان ثابت		۵,۳۷۶	,۰۰۰	۱۸,۳۳۹	۳,۴۱۱
	عضویت در شبکه‌های اجتماعی		۴,۳۶۱	,۰۰۰	,۲۷۵	,۱۷۸
	مشارکت اجتماعی		۲,۸۸۷	,۰۰۴	,۲۷۲	,۰۹۴

با توجه به ضرایب رگرسیونی فوق، در این مدل متغیرهای مستقل شبکه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی بر رفاه ذهنی تأثیر دارد. مقدار ثابت برابر است با ۱۸,۳۳۳، ضریب تأثیر متغیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی برابر است با ۰,۷۷ و ضریب تأثیر متغیر مشارکت اجتماعی برابر است با ۰,۲۷، به عبارت دیگر در ازای تغییر متغیرهای تعلق اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی به میزان ضریب مربوطه، رفاه ذهنی به میزان یک انحراف معیار تغییر می‌یابد.

تحلیل مسیر

جدول ۱۴- تحلیل مسیر مرحله اول

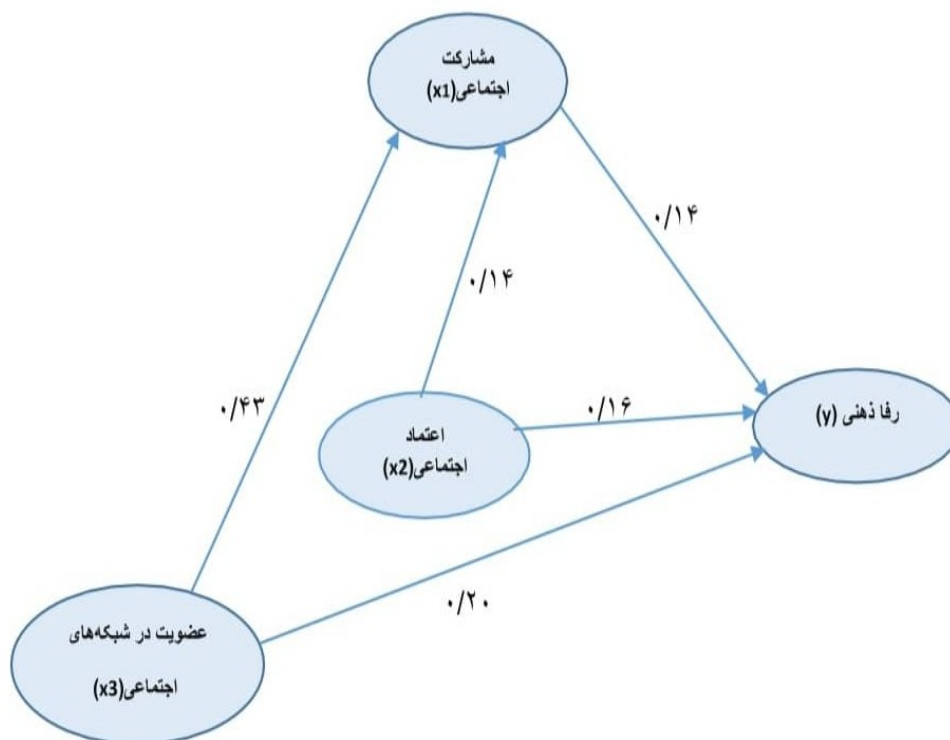
Sig.	T	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
		Beta	Std. Error	B	
,۰۰۰	۵,۳۷۶		۳,۴۱۱	۱۸,۳۳۹	مقدار ثابت
,۰۰۴	۲,۸۸۷	,۱۴۵	,۰۹۴	,۲۷۲	مشارکت اجتماعی
,۰۰۰	۴,۳۶۱	,۲۰۵	,۱۷۸	,۷۷۵	عضویت در شبکه‌های اجتماعی

جدول ۱۵- تحلیل مسیر مرحله دوم

Sig.	T	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
		Beta	Std. Error	B	
,۰۰۰	۶,۰۵۳		۲,۳۱۷	۱۴,۰۲۸	مقدار ثابت
,۰۰۰	۹,۷۵۵	,۴۳۴	,۰۹۰	,۸۷۶	عضویت در شبکه‌های اجتماعی
,۰۰۲	۳,۱۳۶	,۱۴۰	,۰۵۱	,۱۵۹	اعتماد اجتماعی

جدول ۱۶- مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر
مشارکت اجتماعی	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۲۷
اعتماد اجتماعی	-	۰/۰۷	۰/۰۷
عضویت در شبکه‌های اجتماعی	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۳۴



بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی، تأثیر به‌سزایی در تحول رفاه ذهنی شهروندان دارد. جامعه‌ای که با انباشت سرمایه اجتماعی روبروست، این مؤلفه به‌عنوان حجم دهنده و شتاب‌دهنده کیفیت زندگی اجتماعی، به رشد و توسعه رفاه ذهنی می‌انجامد، فقر سرمایه اجتماعی، بسترهای کاهنده بر میزان رفاه ذهنی را تسریع می‌کند. به این دلیل سرمایه اجتماعی، ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیررسمی است که ارتباط، همکاری و اعتماد میان افراد و نهادهای یک جامعه در جهت رشد رفاه اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل، رفاه ذهنی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هرچه سطح سرمایه اجتماعی ارتقا

یابد به همان میزان رفاه ذهنی شهروندان نیز تغییر مثبت و روبه رشد می‌یابد. نتایج این مطالعه با یافته‌های تجربی برادران و حسین پور (۱۳۹۲)، فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۲)، طولابی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، غفوری و محمدی (۱۳۹۸)، اده (۲۰۲۰)، هونگ و همکاران (۲۰۱۹)، داوسون- تاونزند (۲۰۱۹)، هانگ و همکاران (۲۰۱۸)، همسو بوده و آنها را تأیید می‌نماید.

اعتماد اجتماعی، از شاخص مهم سرمایه اجتماعی است و به‌عنوان مکانیسم اثرگذار بر وضعیت رفاه ذهنی شهروندان عمل می‌کند، هرچه وضعیت اعتماد اجتماعی در بین شهروندان تهرانی بالا باشد، همچنان شاخص رفاه ذهنی نیز در مسیر رشد قرار می‌گیرد، با زوال اعتماد بین معنای کاهش اطمینان، احساس خطر و فقدان صداقت به کنش متقابل مثبت، چرخه‌های تحول رفاه ذهنی در مسیر منفی قرار می‌گیرد، به‌این ترتیب بین اعتماد اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه‌ای مثبت و معنی‌داری حاکم است که مقدار ضریب همبستگی آن ۰,۱۸ و اثر کلی آن در مدل مسیر برابر با ۰/۰۷ بوده و با نتایج مطالعات طولابی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، غفوری و محمدی (۱۳۹۸)، بارگاهی و همکاران (۱۳۹۶)، فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۲)، هونگ و همکاران (۲۰۱۹)، میرانوا (۲۰۱۵) همسو بوده و آنها را تأیید می‌نماید.

اعتماد اجتماعی کلیدواژه‌ای مهم برای روابط میان افراد است. افراد بر پایه اعتماد به دیگران است که متعهد به بر عهده گرفتن و یا سپردن یک مسئولیت اجتماعی به دیگران می‌شوند. این مفهوم دربرگیرنده انتظارات انسان‌ها از یکدیگر است چراکه وجود قواعدی و الگوهای رفتاری ثابت در روابط است که با خود اعتماد به انجام عملی جمعی را می‌آورد که همه اعضای گروه از چرایی آن آگاه هستند؛ بنابراین اعتماد اجتماعی لازمه‌ای قابل تأمل برای فرم گرفتن رفاه ذهنی است چراکه موجبات مراودات جمعی را فراهم می‌سازد به افراد آرامش روانی و ذهنی اعطا می‌کند تا با خیالی آسوده به دنبال اهداف و ترجیحات خویش بروند. درصد متوسط اعتماد اجتماعی بیانگر این واقعیت است که افراد نسبت به روابط اجتماعی تمایل قابل توجهی نداشته و از سوی دیگر بی‌تفاوتی پایینی هم درباره این

مسئله از خود نشان نداده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از رواج عقلانیت مدرن شهری در شهر تهران باشد. عقلانیتی که افراد روابط خود را تا حدودی بر پایه آن می‌سنجند و همچون مسئله‌ای ابزاری و محاسباتی با دیگران مواجه می‌شوند؛ اما از دیگر سو با توجه به اینکه درصد اعتماد اجتماعی متوسط است نباید تأثیر سازوکارهای سنتی و آداب و قواعد گذشته را در شکل دادن به اعتمادهای بین فردی و گروهی نادیده گرفت.

اگرچه افراد نسبت به قبل با منطق معاملاتی روابطشان را موردسنجش قرار می‌دهند اما ارزش‌های انسانی هنوز ردپای خود را در زندگی آنان برجای گذاشته است. اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد رفاه ذهنی و تسهیلگر مشارکت، تعاون {XE "تعاون"} اجتماعی و پرورش ارزش‌های رفاهی در بین شهروندان تهرانی است. اعتماد، موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود و در تقویت، ارتقا اثربخشی و مشروعیت {XE "مشروعیت"} نهادهای اجتماعی و افزایش رفاه ذهنی جامعه مؤثر است. اعتماد، مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد و از طریق شکاف طبقاتی را کاسته و به بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی از جمله شادکامی اجتماعی و امنیت ذهنی منجر می‌شود.

مشارکت اجتماعی، نقش مهمی در افزایش رفاه ذهنی شهروندان دارد، نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سطح مشارکت اجتماعی در جامعه، به همان میزان رفاه ذهنی شهروندان تغییر مثبتی را قبول می‌کند. ضریب پیوستگی بین مشارکت اجتماعی و رفاه ذهنی در مدل مسیر برابر با ۲۷ درصد است. مشارکت در جامعه با ایجاد هم‌دلی اجتماعی و تقویت حس نوع‌دوستی در جهت کاهش اختلاف طبقاتی، مسائل اجتماعی و کاهش دغدغه و نگرانی زندگی شهری، باعث تقویت کیفیت زندگی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندان می‌شود، وقتی در شرایط فعلی، مشارکت شهروندان نسبت به همدیگر با اختلال و بحران روبرو شود، این وضعیت به پایین آمدن وضعیت رفاه ذهنی شهروندان تهرانی منجر می‌شود. مشارکت اجتماعی بر سهیم بودن در شکل دادن به حیات اجتماعی دلالت دارد.

درواقع فعالیت‌هایی را مورد اشاره قرار می‌دهد که در قالب انواع انجمن‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های مدنی و رسمی می‌توان برشمرد. پایین بودن میزان مشارکت نمونه مورد مطالعه در این تحقیق نشان‌دهنده این امر هست که نهادها و فضاها اجتماعی مناسب برای مشارکت نتوانسته‌اند کارکرد مؤثری برای جذب افراد جامعه داشته باشند و از دیگر سو افراد نگرش مثبتی نسبت به نتایج فعالیت خویش در قالب مشارکتی جمعی ندارند. این امر می‌تواند از نبود حوزه عمومی با دلالت‌هایی که آشکارکننده دموکراسی و آزادی در بیان عقاید و اهداف متنوع باشد، نشأت بگیرد. پایین بودن مشارکت اجتماعی به معنی اهمیت داشتن فردیت نزد افراد و از سویی اولویت داشتن اهداف و امیال فردی در مقایسه با خواسته‌های جمعی داشته باشد.

در نتیجه ارجحیت یافتن اهداف و مطالبات فردی نمی‌توان انتظار مشارکتی مؤثر میان افراد را در جامعه داشت و هرچقدر افراد در لایه فردی زندگی خود و سطح روزمره زندگی خویش بیشتر بغلتند، رفاه ذهنی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند، زیرا درگیر زندگی شخصی خویش می‌شوند و همواره با رویکردی مقایسه‌ای و انتقادی زندگی‌های دیگران و حتی خود را مورد قضاوت قرار می‌دهند. از این رو زندگی برای آن‌ها با شتاب بیشتری پیش می‌رود که مدام در پی ارضای نیازهای شخصی خود نیازهای دیگران را نادیده می‌انگارند و توانایی همذات‌پنداری با مشکلات و مسائل دیگران را از دست می‌دهند. نتایج این پژوهش با یافته‌های طولایی نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، غفوری و محمدی (۱۳۹۸)، زاهدی و همکاران (۱۳۸۸)، فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۲)، اده (۲۰۲۰)، داوسون-تاوونزند (۲۰۱۹)، همسو بوده و آنها را تأیید می‌نماید.

مشارکت اجتماعی (انجمن‌ها و شبکه‌ها) و تراکم شبکه‌های روابط بین افراد و گروه‌ها از مفاهیم کلیدی مربوط به سرمایه اجتماعی و از مهم‌ترین عوامل بسترساز شکوفایی رفاه ذهنی شهروندان است. مردم به واسطه انجمن‌های جانبی متنوعی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. این انجمن‌ها داوطلبانه و متوازن هستند. سرمایه اجتماعی نمی‌تواند به واسطه عمل فی‌نفسه و مستقل افراد به وجود آید و وابسته و مبتنی بر گرایش به اجتماع‌پذیری و وجود

انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که در اشکال متنوع و نوینی در ابعاد و فضاهای متنوع حیات اجتماعی نمود پیدا می‌کنند. در این شرایط به دلیل مبادله و بده بستان و سهیم شدن در اجتماع و همچنین کنشگری فعال، ضمن افزایش آگاهی اجتماعی، رفاه ذهنی شهروندان دچار تحول و شکوفایی می‌گردد.

بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و رفاه ذهنی شهروندان تهرانی رابطه معنی‌داری وجود دارد، مقدار این رابطه برابر با ۰,۳۷ و مقدار اثر نهایی برابر با ۰/۳۴ است که با نتایج مطالعات برادران و حسین‌پور (۱۳۹۲)، فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۲)، اده (۲۰۲۰)، آماتی و همکاران (۲۰۱۸)، دلی و دراگولف (۲۰۱۶)، لی و همکاران (۲۰۱۵)، همسو بوده و آنها را تأیید می‌نماید. شبکه‌های اجتماعی امکانی برای هویت‌سازی اعضای جامعه است. امکانی که با خود روابطی پایدار و منابع اجتماعی مؤثر برای کنش را در اختیار افراد قرار می‌دهد. افراد با عضو شدن در شبکه‌های اجتماعی قادر به تماس‌های منظم با دیگران بوده و از منبعی حمایتی برای خود برخوردار می‌شوند؛ بنابراین شبکه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل برای بالا بردن سرمایه اجتماعی است. عدم عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی همان‌طور که در بالا ذکر شد نشان‌دهنده نبود فضای سیاسی باز برای فعالیت افراد و یا ضعیف بودن جامعه مدنی در کشور است.

وجود سرمایه اجتماعی بالا در بین افراد جامعه و ارتقاء دادن آن می‌تواند منجر به افزایش رفاه ذهنی افراد جامعه گردد؛ و در واقع کیفیت زندگی اجتماعی جامعه را گسترش و بهبود بخشد.

با توجه به نتایج و یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود؛ با توجه به اینکه توسعه سرمایه اجتماعی با گسترش فضا و میدان مشارکت‌پذیری شهروندان حاصل می‌شود، هرچه بیشتر زمینه‌های مشارکت افراد در قالب گروه‌های اجتماعی، انجمن‌های غیرانتفاعی، تشکل‌های مردمی و تشکل‌های صنفی، محلی، همسایگی، گروه‌های فرهنگی، ورزشی و هنری فراهم شود. بدون تردید بازآفرینی سرمایه اجتماعی امری زمان‌بر است که همکاری همه نهادها و بخش‌های اساسی جامعه را در یک بازه زمانی بلندمدت می‌طلبد. بنابراین برای مطرح شدن

مسئله سرمایه اجتماعی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری و مشارکت همه نهادها و بخش‌های مرتبط و متناسب با آن در تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هماهنگ تلاش شود.

همچنین در راستای کاهش تفاوت‌ها، نابرابری‌ها، محدودیت و نابرابری اجتماعی به لحاظ؛ شرایط سکونت، دستیابی به حمل‌ونقل با کیفیت مطلوب، تفریح، رسانه و فرهنگ، قابلیت استفاده از تسهیلات و کالاها، شرایط اشتغال و بازار، فرصت‌ها و مخاطرات شغلی، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی و دستیابی به این خدمات تلاش دوچندانی صورت پذیرد. شاخص کیفیت زندگی، بهزیستی فراگیر ذهنی، فرصت‌های برابر (جنسیتی، نسلی، طبقه اجتماعی، بیمه‌ای و گروه‌های شهروندی) در کلیت وضعیت زندگی مدنظر قرار گیرد.

هرچه بیشتر زمینه‌های مشارکت افراد در قالب گروه‌های اجتماعی، انجمن‌های غیرانتفاعی، تشکل‌های مردمی و تشکل‌های صنفی، محلی، همسایگی، گروه‌های فرهنگی، ورزشی و هنری فراهم شود. از دو قطبی‌سازی‌های رایج در مباحث سیاسی یا فرهنگی و اجتماعی در بازنمایی اقشار، گروه‌ها و افراد جامعه پرهیز شود چراکه این موضوع موجب افزایش نابرابری ارزشی در جامعه شده و به شدت بر اعتماد اجتماعی اثرگذار خواهد بود.

پژوهش‌هایی با محوریت تقویت بعد اجتماعی رفاه و توجه به ساختارهای کلان در این زمینه انجام شود، همچنین تحقیقاتی بر پایه سنجش رابطه رفاه ذهنی و توسعه پایدار و نشان دادن پیامدهای عینی آن برای پیاده‌سازی در سطح جامعه صورت گیرد، سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر رفاه ذهنی نیز مورد بررسی قرار گیرد. ساختارهای سیاسی و اقتصادی با در نظر گرفتن سرمایه اقتصادی برای تحقیقات آتی مربوط به رفاه ذهنی انجام شود.

منابع

- باقری‌بنجار، عبدالرضا و رحیمی، ماریا. (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان (شهروندان مناطق ۱۲ و ۱۳ شهر تهران)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال دوم، شماره پنجم: ۱۴۳-۱۷۰.
- بارگاهی، حسین و کیبری، نرگس. (۱۳۹۴)، «رفاه ذهنی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر آن (مطالعه موردی جوانان ساکن شهر تهران)»، *مطالعات اجتماعی جوانان*، شماره ۲۰: ۹-۳۲.
- برداران، مراد و حسین پور، نسرين. (۱۳۹۲)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، شماره ۴.
- پتربیک، فیتز. (۱۳۹۵)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: نشر موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- حسین‌پناهی، مهرداد؛ ساعی ارسی، ایرج و ودیعه، ساسان. (۱۳۹۴)، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مورد مطالعه: معلمان استان همدان و شهرستان‌های تابعه)»، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۱۰، شماره ۲: ۱۷۷-۱۵۷.
- حسینی‌امین، سیده نرگس؛ سیدمیرزائی، سید محمد و ادیسی، افسانه. (۱۳۹۵)، «مطالعه کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۷.
- زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه و علی پور، پروین. (۱۳۸۸)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۳۲: ۱۰۵-۱۲۵.
- سام آرام، عزت‌الله؛ بارگاهی، حسین و کیبری، نرگس. (۱۳۹۴)، «تأثیر آنومی اجتماعی بر رفاه ذهنی شهروندان جوان شهر تهران»، *علوم اجتماعی*، شوشتر سال نهم، شماره ۲.
- شربتیان، محمدحسن؛ قصاب، المیرا و رضازاده، مرضیه. (۱۳۹۷)، «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی با حکمروایی شهری شهروندان، مطالعه موردی شهروندان ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر قاین»، *دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۶: ۱۰۷-۱۳۳.
- شیانی، ملیحه و موسوی، میر طاهر. (۱۳۹۰)، «تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمان»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۱.

- صفری شالی، رضا و مهدی زاده اردکانی، محمد. (۱۳۹۶)، «میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- طولابی‌نژاد، مهرشاد؛ قنبری، سیروس و شایان، محسن. (۱۳۹۷)، «بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: دهستان میانکوه شرقی)»، جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۲، شماره ۶۶:۱۶۳-۱۸۵.
- غفاری، غلامرضا و کبیری، نرگس. (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه الگوهای مصرف و رفاه ذهنی در شهر تهران»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال چهارم، شماره ۲.
- غفوری، فرزاد و محمدی، زهرا. (۱۳۹۸)، «مقایسه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین سالمندان فعال و غیرفعال (با تأکید بر فعالیت شبکه‌ای)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹:۱-۲۸.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۹۵)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی: افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
- فیروزآبادی، سید احمد و حسینی، سید رسول. (۱۳۹۲)، «رابطه اعتماد، آگاهی و شبکه‌های اجتماعی با رفاه اجتماعی در شهر تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- مرادی، سجاد. (۱۳۹۸)، «تحلیل وضعیت شادکامی در ایلام و راهکارهای سیاستی»، رساله دکترای دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، گرایش رفاه اجتماعی.
- مرشدی، ابوالفضل و شیری، حامد. (۱۳۸۷)، «مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران و اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌های شهر تهران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۳۴:۱۹۴-۲۲۵.
- محبوبی، رضا. (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه دینداری و رفاه اجتماعی (رفاه ذهنی)»، رساله دکترای دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه رفاه اجتماعی.
- مدیری و فاطمه و آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۱)، «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاه ذهنی ایرانیان»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد: ۲۲۵ - ۲۴۲.

- مروتی، نادر و ذکایی، سعید. (۱۳۹۸)؛ پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱۹:۳۱-۷۸.
- موسوی، مهری سادات؛ یزدخواستی، بهجت و محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۷)، «طراحی مدل سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی»، اندازه‌گیری تربیتی، سال هشتم، شماره ۱۱۳:۳۱-۱۵۰.
- وقاری، الهام؛ ساروخانی، باقر و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۸)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه مدرنیته و رفاه ذهنی کارکنان ستادی سازمان تأمین اجتماعی»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۸:۲۱۹-۲۵۴.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی. (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳، سال دوم.
- Addae, Evelyn Aboagye (2020), The mediating role of social capital in the relationship between socioeconomic status and adolescent wellbeing: evidence from Ghana, *Addae BMC Public Health*, <https://doi.org/10.1186/s12889-019-8142-x>.
- Amati, Viviana; Meggiolaro, Silvia; Giulia, Rivellini & Zaccarin, Susanna (2018), Social relations and life satisfaction: the role of friends, *Genus*, vol 74, pp,7-34.
- Anbari, Musa and Haghi, Somayeh (2021), 'Study of role changes and happiness of rural women' *Applied Sociology*, Volume 32, Number 1, pp. 23-58. & and Zakai, Saeed, (2016), 'Social vitality Barriers, opportunities and policies', Collection of articles on the social situation of the country, (Volume III), *Ministry of Interior, Social Council of the country*. (in persion).
- Bourdieu, P, (1986), " The forms of capital ", in, j, G, Richardson(ed), *Hand book of Theory and research for the sociology of education*, new York, London,, *Green wood Press*.
- Delhey, Jan and Dragolov, Georgi (2016), Happier together. Social cohesion and subjective well-being in Europe, *International Journal of Psychology*, Vol. 51, No. 3, 163–176, DOI: 10.1002/ijop.12149.
- Dinisman, T., & Ben-Arieh, A. (2016), The characteristics of children's subjective well-being. *Social Indicators Research*, 126(2), 555-569.
- Dawson-Townsend, Kathryn (2019), Social participation patterns and their associations with health and well-being for older adults, *SSM Popul Health*.

2019 Aug; 8: 100424. Published online 2019 Jun 22. doi: 10.1016/j.ssmph.2019.100424.

- Goswami, H., (2012), Social Relationships and Children's Subjective Well-Being. *Soc Indic Res* (2012) 107:575–588. DOI 10.1007/s11205-011-9864-z
- Huang, Xianbi; Western, Mark; Bian, Yanjie; Li, Yaojun (2018), Social Networks and Subjective Wellbeing in Australia: New Evidence from a National Survey, *Sociology*, 1–21, *Reprints and permissions*:
- sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav DOI: 10.1177/0038038518760211
- journals.sagepub.com/home/soc.
- Helliwell, J, Layard, R & Sachs, J(2017), World Happiness Report 2017. Helliwell, J, Layard, R & Sachs, J(2018), *World Happiness Report* 2018.
- Hwang, Li-Ann; Wei Jian Ng, Jason; Vaithilingam, Santha (2019), Social capital and subjective well-being: The mediating role of social networking sites, Volume 24, Number 10 – 7.
- Lei, Xiaoyan; Shen, Yan; P. Smith, James; Zhou, Guangsu (2015), Do Social Networks Improve Chinese Adults' Subjective Well-being?, *Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor, IZA Discussion Paper* No. 9226.
- Mousavi, Seyed Mohsen, (2014), Happiness, theoretical approaches and empirical findings, Tehran: Tisa.. (in persion).
- Moradi, Sajjad, (2019), 'Analysis of the situation of happiness in Ilam and policy solutions', *Doctoral dissertation* of Allameh Tabatabai University, Faculty of Social Sciences, *Social Welfare Orientation*.. (in persion).
- Mahboubi, Reza; Sam Aram, Ezzatullah, (2014), ' Build a scale to measure social well-being with an emphasis on mental well-being', *Journal of Welfare Planning and Social Development*, No. 34, pp. 1 to 34.. (in persion).
- Mashhadi Ahmad, Mahmoud and Abbasi, Nisa, (2018), ' The impact of consumption on human well-being' *Economic research and policies*, No. 88, Year 28, pp. 107-150. (in persion).
- Matsushima, Midori & Matsunaga, Yoshiho (2015), Social Capital and Subjective Well-Being in Japan, *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 26:2146 DOI 10.1007/s11266-015-9623-x.
- Mironova, A.A. (2015), Trust, Social Capital, and Subjective Individual Well-Being, *Sociological Research*, 54:2, 121-133, DOI: 10.1080/10610154.2015.1082391.
- Sharifian, Akbar, Fotoot, Hoda, (2011) 'Investigating the Relationship between Social Capital and Quality of Life: A Case Study of Shiraz Azad University

- Students', *Journal of Welfare Planning and Social Development*, Volume 3, Number 8, pp. 153-188. (in persion).
- Sabates. Ricardo (2008), "The Impact of Lifelong Learning on Poverty Reduction". *IFLL Public Value Paper* 1 (Latimer Trend.Plymouth.UK): 5-6. ISBN 978 1 86201 3797.
 - Taj Mazinani, Ali Akbar and Ghasemi Nejad, Abuzar (2016), 'Political activism and women's social health' (Case study of women aged 15 to 49 years in District 4 of Tehran), *Two Quarterly Journal of Election Studies*, Fifth Year, No. 12-13, pp. 141- 166. (in persion).
 - Tulabi Nejad, Mehrshad; Ghanbari, Sirus; Shayan, Mohsen, (2018), 'Investigating the effects of social capital on the welfare of rural households', Case study of Miankuh Sharghi village, *Geography and Planning*, Volume 22, Number 66, pp. 185-163.. (in persion).
 - Timo, Toikko (2018), Community belongingness and subjective well-being among unemployed people in a Finnish community, *University of Eastern Finland's eRepository Emerald Publishing* <http://dx.doi.org/10.1108/IJSSP-01-2018-0010>
 - Winter, (2012), "towards a theorized under standing of family life and social capital". *working paper*, No. 21, April.